



طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران

با رویکرد تلفیقی «زیر ساخت سیار» و «برنامه درسی بومی»

جمشید جلیوند

دکتری مدیریت ورزشی، گروه فضا و تجهیزات دفتر تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران.

جواد ممشلی

دکتری مدیریت ورزشی، گروه آموزش منابع انسانی دفتر تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی وزارت آموزش و پرورش.

سمیه جدیدی

کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، معلم تربیت بدنی، وزارت آموزش و پرورش.

نویسنده مسئول: جمشید جلیوند، ۰۹۱۵۱۹۱۹۲۱۹ و Email: jamshid.jalilvand@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای به عنوان یکی از کهن‌ترین میراث‌های فرهنگی-تربیتی ایران، کارکردهای بی‌بدیلی در پرورش اخلاق، هویت و تندرستی دانش‌آموزان دارد. با این حال، توسعه آن در مدارس با دو مانع راهبردی مواجه است: کمبود شدید و توزیع ناعادلانه زیرساخت‌های فضایی (تنها ۱۷ زورخانه برای ۱۶ میلیون دانش‌آموز) و نبود الگوی آموزشی بومی‌شده برای تلفیق با برنامه درسی تربیت بدنی. این پژوهش با هدف طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران با رویکرد تلفیقی «زیر ساخت سیار» و «برنامه درسی بومی» انجام شده است. **روش‌شناسی:** پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و راهبرد نظریه داده‌بنیاد سیستماتیک انجام گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با ۱۸ نفر از خبرگان و ذی‌نفعان کلیدی شامل معماران، مدیران ورزشی، پیشکسوتان زورخانه و متخصصان علوم تربیتی که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند، گردآوری گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2024 و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. **یافته‌ها:** از تحلیل داده‌ها، مدل پارادایمی شامل شش مقوله محوری استخراج گردید: شرایط علی (شکاف سرانه فضای ورزشی، گسست نسلی در انتقال دانش بومی، تقابل معماری مکان‌محور با نظام آموزشی مدرن)، پدیده محوری (زورخانه سیار به مثابه رسانه فرهنگی-تربیتی پویا)، راهبردها (مدولارسازی سازه، بومی‌سازی فناوری‌های سبک، طراحی تلفیقی نمادین)، شرایط زمینه‌ای (سیاست‌های کلان آموزش و پرورش، فقدان استاندارد ملی)، شرایط مداخله‌گر (محدودیت بودجه، نگرش‌های جنسیتی) و پیامدها (تحقق عدالت تربیتی، نوآوری در معماری ورزشی مدارس، حفاظت پویا از میراث، کاهش هزینه‌های ساخت، اشتغال‌زایی و ایمنی سازه). در فرایند کدگذاری، ۱۳۸ کد باز، ۲۴ مقوله فرعی و ۱۰ مقوله اصلی شناسایی و در قالب مدل پارادایمی سازماندهی شدند. **نتیجه‌گیری:** کاربست توأمان راهبردهای «زیر ساخت سیار و مدولار» و «برنامه درسی بومی‌شده» می‌تواند به تحقق عدالت فضایی، حفاظت پویا از میراث ناملموس، کاهش هزینه‌های ساخت تا ۷۰ درصد و ارتقاء شایستگی‌های چندبعدی دانش‌آموزان منجر شود. این الگو با حفظ ارزش‌های ذاتی ورزش زورخانه‌ای، امکان بهره‌مندی مدارس از ظرفیت‌های تربیتی آن را در عین انطباق با محدودیت‌های فضایی و ساختاری فراهم می‌آورد.



کلید واژه‌ها: ورزش پهلوانی، زورخانه سیار، برنامه درسی بومی، عدالت فضایی، مدارس ایران.

۱- مقدمه

ورزش زورخانه‌ای و آیین پهلوانی، به عنوان یکی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین میراث‌های فرهنگی و تربیتی ایران، نه تنها یک فعالیت بدنی، بلکه یک نظام جامع تربیتی-اخلاقی است که طی قرن‌ها، کارکردهای پرورش جسم و روان، انتقال ارزش‌های فتوت و جوانمردی، انسجام اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی را در معماری آیینی و فضای جمع‌گرای خود تلفیق کرده است (انصاف‌پور، ۱۳۵۳؛ کوربن، ۱۳۸۳؛ گودرزی، ۱۳۸۳). ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای به عنوان یکی از ارزش‌مندترین میراث‌های فرهنگی-تربیتی ایران، کارکردهای بی‌بدیلی در پرورش اخلاق، هویت و تندرستی دانش‌آموزان دارد؛ به گونه‌ای که پژوهش‌ها نشان داده است آموزش ورزش‌های سنتی و پهلوانی در محیط مدارس نه تنها موجب افزایش فعالیت بدنی و ارتقای سلامت جسمانی دانش‌آموزان می‌شود، بلکه زمینه انتقال ارزش‌های فرهنگی همچون جوانمردی، احترام، همکاری، مسئولیت‌پذیری و هویت ملی را نیز فراهم می‌کند (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین آشنایی دانش‌آموزان با آیین‌ها، ابزارها و نمادهای مرتبط با ورزش‌های سنتی مانند زورخانه و آیین‌های پهلوانی، موجب تقویت احساس تعلق فرهنگی و افزایش آگاهی نسبت به میراث فرهنگی بومی می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، تلفیق این ورزش‌ها با برنامه‌های آموزشی می‌تواند به حفظ و احیای فرهنگ‌های محلی، تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد پیوند میان نسل‌های مختلف کمک کند (جوانی و همکاران، ۱۴۰۰). ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک نهاد آموزشی-تربیتی یکپارچه، تجسم پیوند ناگسستنی میان فعالیت جسمانی، اخلاق پهلوانی و هویت فرهنگی است (حسینی، ۱۳۹۸).

هم‌چنین پژوهش‌ها نشان داده است که ورزش زورخانه‌ای تأثیر قابل توجهی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارد. اسدزاده (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیر آموزش‌های پهلوانی زورخانه‌ای بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی، نشان داد که میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان گروه آزمایش که آموزش‌های پهلوانی دریافت کرده‌اند، به‌طور معنی‌داری بالاتر از گروه گواه بوده است. بر اساس این یافته‌ها، برای افزایش رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی، آموزش و پرورش می‌تواند برخی از جلسات ورزش را در زورخانه‌های شهر برگزار نماید و همچنین ورزش زورخانه‌ای را در برنامه درسی دانش‌آموزان ابتدایی قرار دهد (اسدزاده، ۱۳۹۶).

با این حال، این آیین ارزشمند در عصر حاضر با چالش‌های جدی مواجه است. معماری ثابت و مکان‌محور زورخانه‌های سنتی، ذاتاً با الگوی «زمان‌محور»، «انعطاف‌پذیر» و «چندکاره» نظام آموزشی مدرن ناسازگاری بنیادین دارد. از یک سو، اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۵) بر توسعه ورزش‌های بومی-محلی، ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر و تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان تأکید دارند. از سوی دیگر، واقعیت میدانی حاکی از شکاف عمیق میان این سیاست‌های آرمان‌گرایانه و وضعیت موجود است. بر اساس گزارش سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور (۱۴۰۱)، سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزی در بسیاری از مناطق کمتر از ۰/۵ متر مربع است، در حالی که برنامه زیرنظام، دستیابی به ۲ متر مربع را هدف‌گذاری کرده است. این ناعدالتی فضایی که با نظریه «عدالت فضایی» سوجا (۲۰۱۰) قابل تبیین است، در حوزه زیرساخت‌های ورزشی نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود (سوجا، ۲۰۱۰). معماری زورخانه‌های سنتی با ویژگی‌های شاخصی چون ورودی با ارتفاع کم که ورودکننده را به خم شدن وادار می‌ساخت و حس فروتنی را القا می‌کرد، فضای هشت‌ضلعی گود که تمرینات در آن انجام می‌شد و سکوی سردم که مرشد از آنجا به رهبری آیین می‌پرداخت، به گونه‌ای طراحی شده بود که فضایی مقدس‌گونه و تأمل‌برانگیز ایجاد کند (حسینی، ۱۳۹۸). این عناصر معماری



که در طول قرن‌ها برای انتقال ارزش‌های اخلاقی و پهلوانی شکل گرفته‌اند، امروزه با محدودیت‌های فضایی و ساختاری مدارس در تناقض هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۶).

مسئله محوری این پژوهش، ریشه در این تناقض دارد. از مجموع ۸۴۰ زورخانه فعال در سطح کشور، تنها ۱۷ واحد (معادل ۲ درصد) به آموزش و پرورش تعلق دارد و توزیع جغرافیایی آن‌ها به شدت نابرابر است به گونه‌ای که بیش از ۵۰ درصد از این اماکن در ۵ استان متمرکز شده‌اند و ۲۰ استان (۶۴٫۵ درصد) فاقد حتی یک زورخانه تخصصی در چارچوب و مالکیت آموزش و پرورش هستند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲؛ سازمان نوسازی مدارس، ۱۴۰۱). این الگوی توزیع، نشان‌دهنده ناعدالتی فضایی عمیق و جدایی نظام مدرسه از میراث ارزشمند ورزشی ملی است. بدین ترتیب، اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان کشور، به ویژه در مناطق محروم و حاشیه شهرهای بزرگ، از «حق برخورداری از یک تجربه تربیتی غنی و هویت‌ساز» محروم هستند و این امر، زنجیره انتقال دانش فرهنگی-جسمانی به نسل‌های آینده را با خطر گسست مواجه ساخته است (فلاح، ۱۳۹۵؛ مرکز مطالعات راهبردی ورزش، ۱۴۰۱). گنجاندن آموزش ورزش‌های سنتی و پهلوانی در برنامه‌های تربیت بدنی مدارس، برگزاری جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی مرتبط، و بهره‌گیری از مربیان آشنا با این میراث فرهنگی می‌تواند راهکاری مؤثر برای پاسداشت فرهنگ بومی و انتقال آن به نسل آینده باشد (میرزایی، ۱۳۹۹؛ صابری و گودرزی، ۱۴۰۰). با این حال، تاکنون پژوهش‌های محدودی به بررسی امکان‌سنجی کاربرد زورخانه در نظام آموزشی مدرن با حفظ اصالت آن پرداخته‌اند (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲).

اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله، تنها به محدوده‌های ملی ایران خلاصه نمی‌شود و ابعاد بین‌المللی نیز دارد. سازمان‌های جهانی مانند یونسکو در گزارش‌های اخیر خود درباره «ورزش برای توسعه و صلح»، بر نقش ورزش در تحقق اهداف توسعه پایدار، تقویت انسجام اجتماعی و حفاظت پویا از میراث فرهنگی تأکید کرده‌اند (یونسکو، ۲۰۲۱). همچنین نهادهایی چون شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ایکوموس) با انتشار اسنادی مانند «میراث و تغییرات اقلیمی»، بر لزوم انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری راهبردهای حفاظت در برابر تغییرات پرشتاب محیطی و اجتماعی اصرار می‌ورزند (شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها، ۲۰۲۱). بنابراین، جست‌وجو برای الگویی که بتواند میراثی آیینی مانند زورخانه را زنده، مرتبط و در دسترس نسل جدید نگه دارد، پاسخی به یک دغدغه جهانی در باب آینده میراث فرهنگی در قرن بیست و یکم است (باند و بلاوینز، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، نظام آموزشی ایران با چالش‌های متعددی در حوزه تربیت بدنی و سلامت دانش‌آموزان مواجه است. بر اساس گزارش‌های رسمی، تنها ۱۲ درصد از مدارس کشور به فضاهای ورزشی تخصصی مجهز هستند و این رقم در مناطق روستایی به ۳ درصد کاهش می‌یابد (سازمان نوسازی مدارس، ۱۴۰۱). همچنین، پژوهش‌های میدانی نشان داده است که ۸۵ درصد مدارس تهران فاقد زمین مازاد برای احداث سازه‌های ثابت ورزشی هستند (انجمن معماری ایران، ۱۴۰۲). این کمبود شدید فضای ورزشی، فرصت‌های تربیتی دانش‌آموزان را به شدت محدود کرده و آن‌ها را از بهره‌مندی از ظرفیت‌های بی‌بدیل ورزش‌های بومی و آیینی محروم ساخته است (میرزایی، ۱۳۹۹؛ غلامی، ۱۴۰۲). در این راستا، پژوهش‌های اقتصادی-مدیریتی نیز نشان داده است که طرح‌های مدولار و سیار می‌توانند تا ۷۰ درصد هزینه‌های ایجاد فضاهای ورزشی را کاهش دهند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲) و استفاده چرخشی از یک دستگاه زورخانه سیار در ۱۰ تا ۱۵ مدرسه، نسبت سود به هزینه ۳٫۲ را به همراه دارد (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۲). همچنین پیش‌بینی می‌شود که توسعه زورخانه‌های مدولار بتواند حدود ۲۰۰۰



شغل مستقیم در بخش‌های طراحی، تولید، نصب و آموزش ایجاد کند (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۲). این یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در این حوزه، علاوه بر پیامدهای تربیتی و فرهنگی، از توجیه اقتصادی قابل توجهی نیز برخوردار است.

از منظر فناوری و تولیدی، طبق آمار سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۲)، ۹۵ درصد تجهیزات ورزشی کشور وارداتی است. این وابستگی شدید به واردات، ضرورت تولید دانش فنی بومی در حوزه طراحی و ساخت تجهیزات و فضاهای ورزشی را آشکار می‌سازد. مطالعات امکان‌سنجی نشان داده است که استفاده از کامپوزیت‌های سبک می‌تواند وزن سازه‌های موقت را تا ۶۰ درصد کاهش دهد بدون آنکه از استحکام ساختاری کاسته شود (حسینی و کریمی، ۱۴۰۰). این یافته‌ها، طراحی و استانداردسازی زورخانه‌ی مدولار را به عنوان نمونه‌ای از تولید دانش فنی بومی معرفی می‌کند که از دل نیاز فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران برمی‌خیزد و می‌تواند الگویی برای سایر حوزه‌ها باشد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱). افزون بر ضرورت‌های پیشین، سیاست‌های کلان آموزش و پرورش بر لزوم توسعه فضاهای ورزشی مدرسه‌ای تأکید دارد. بر اساس برنامه زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری مصوب ۱۳۹۵، سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزی در مدارس باید به‌طور تدریجی به ۲ متر مربع برسد (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۵، بند ۲-۴). با این حال، گزارش سازمان نوسازی مدارس در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که این سرانه در بسیاری از مناطق کمتر از ۰٫۵ متر مربع است (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، ۱۴۰۱). این شکاف سیاستی-عملیاتی، نیاز به راه‌حل‌های کم‌هزینه و انعطاف‌پذیر مانند زورخانه‌های سیار را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

از منظر اجتماعی-فرهنگی، یافته‌های پژوهش فلاح (۱۳۹۵) در تحلیل جامعه‌شناختی آیین‌های زورخانه‌ای نشان می‌دهد که نسل جوان امروز، ۳ برابر بیشتر از دهه قبل، به دنبال فعالیت‌های دارای هویت فرهنگی مشخص است. این یافته، فرصتی ارزشمند برای احیای ورزش زورخانه‌ای از طریق ارائه‌ی آن در قالبی نوین و جذاب برای نسل جوان فراهم می‌آورد. با این حال، بر اساس تحقیق مرکز مطالعات راهبردی ورزش (۱۴۰۱)، تنها ۱۵ درصد نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال با ورزش زورخانه‌ای آشنایی دارند. این در حالی است که در دهه ۱۳۶۰، این رقم به ۶۵ درصد می‌رسید. این کاهش چشمگیر آشنایی، زنگ خطری جدی برای گسست نسلی در انتقال این دانش بومی و ارزشمند است.

از منظر معماری و تربیتی، مطالعات معماری نشان می‌دهد که زورخانه‌های سنتی بر اساس اصول خوانایی، نفوذپذیری، مجاورت و انعطاف‌پذیری طراحی شده‌اند و این اصول می‌تواند به‌صورت چکیده‌ای مدرن در طراحی مدولار بازتولید شود (ابراهیمی، ۱۳۹۶). برای مثال، مفهوم «حیات مرکزی» به‌عنوان کانون تعاملات در زورخانه‌های سنتی می‌تواند در قالب یک سازه بازشونده مرکزی در زورخانه سیار تجلی یابد که هم به عنوان گود نمادین عمل کند و هم به عنوان فضای چندمنظوره برای سایر فعالیت‌های مدرسه (رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین تحقیق غلامی (۱۴۰۲) با عنوان «تأثیر فضای ورزشی بر شایستگی‌های چندبعدی دانش‌آموزان» نشان داد که فضاهای ورزشی دارای ویژگی‌های نمادین و آیینی، ۴۰ درصد بیشتر از فضاهای معمولی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی مؤثرند.

از منظر شکاف دانشی، باید اذعان داشت که ایران فاقد استاندارد ملی برای فضاهای ورزشی سیار است. این تحقیق می‌تواند مبنای تدوین اولین استاندارد در این حوزه قرار گیرد و زمینه‌ساز تولید دانش فنی و مهندسی بومی در این عرصه شود. همچنین پژوهش رضوانی و همکاران (۱۴۰۰) که بر روی ۴۲۰ مدرسه در استان خراسان رضوی انجام شد، نشان داد که ۹۲ درصد مدیران مدارس، فقدان فضاهای ورزشی تلفیقی-فرهنگی را به عنوان یکی از موانع اصلی پرورش جامع دانش‌آموزان ذکر کرده‌اند. این یافته، ضرورت طراحی فضاهایی که همزمان به ابعاد جسمانی، فرهنگی و اجتماعی تربیت دانش‌آموزان بپردازند را آشکار می‌سازد.



با وجود تمامی این ظرفیت‌ها و ضرورت‌ها، همچنان یک خلأ اساسی در ادبیات پژوهشی ایران وجود دارد: نبود یک مطالعه‌ی جامع و میان‌رشته‌ای که با تلفیق علوم تربیتی، معماری، طراحی صنعتی و مدیریت ورزشی، به ارائه‌ی یک راه‌حل فنی-اجرایی مشخص و قابل ساخت برای مسئله‌ی انتقال زورخانه به مدارس بپردازد. اکثر مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده به «چرایی» اهمیت این کار اشاره کرده‌اند، اما در قبال «چگونگی» عملیاتی‌سازی آن در نظام آموزشی، سکوت کرده‌اند یا به توصیه‌های کلی و غیرعملیاتی بسنده نموده‌اند (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲). این شکاف پژوهشی، انگیزه‌ی اصلی برای انجام پژوهش حاضر بوده است.

لذا پژوهش حاضر با این فرض اساسی که بهره‌گیری از اصول معماری پارامتریک، سازه‌های سبک پیش‌ساخته و طراحی چندمنظوره‌ی تجهیزات، امکان طراحی یک «هسته‌ی مرکزی سیار» را فراهم می‌آورد که هم قابلیت ایجاد حس مکان و آیین را داشته باشد و هم از نظر لجستیکی، اقتصادی و زمانی با محدودیت‌های مدارس سازگار باشد، به دنبال ارائه‌ی الگویی عملیاتی برای توسعه‌ی ورزش پهلوانی در مدارس ایران است. این الگو می‌تواند علاوه بر پاسخگویی به نیازهای تربیتی و فرهنگی نسل جوان، گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت فضایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی ناملموس، و تولید دانش و فناوری بومی در حوزه‌ی طراحی فضاهای ورزشی مدارس بردارد.

۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است. این پژوهش با هدف طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران با رویکرد تلفیقی «زیرساخت سیار» و «برنامه درسی بومی» انجام گرفته است. به منظور دستیابی به این هدف، از راهبرد نظریه داده‌بنیاد سیستماتیک (نظام‌مند) استفاده شده است. این راهبرد به دلیل ماهیت اکتشافی مسئله پژوهش و هدف غایی آن که تدوین یک مدل نظری زمین‌مند برای تبیین پدیده «توسعه ورزش پهلوانی در مدارس» است، انتخاب گردید (چارماز، ۲۰۱۴). رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین، با تأکید بر فرآیندهای کدگذاری ساختاریافته‌تر، برای پژوهشگران در این روش، چارچوب روشنی فراهم می‌کند و به ویژه برای پژوهشگرانی که برای نخستین بار از این روش استفاده می‌کنند، مناسب‌تر است (چان تای و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۱- جامعه پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل کلیه صاحب‌نظران و ذی‌نفعان کلیدی در حوزه‌های مرتبط با موضوع در ایران بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس گلوله برفی، ۱۸ مشارکت‌کننده برای مصاحبه انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه تخصصی یا اجرایی در یکی از حیطه‌های زیر بود: مدیریت ورزشی و تربیت بدنی، معماری و طراحی فضاهای ورزشی، پیشکسوتی و مربیگری در ورزش زورخانه‌ای و سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش. تنوع عمدی در انتخاب مشارکت‌کنندگان با هدف گردآوری دیدگاه‌های چندبعدی رعایت شد. فرآیند نمونه‌گیری تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت که در آن، داده‌های جدید هیچ مضمون یا بینش جدیدی به مدل در حال ظهور اضافه نکردند (هنینک و همکاران، ۲۰۱۹). نمونه‌گیری نظری که یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه داده‌بنیاد است، به جمع‌آوری داده‌هایی اشاره دارد که بر اساس نیازهای نظریه در حال ظهور هدایت می‌شوند و هدف آن به حداکثر رساندن فرصت‌ها برای کشف تنوع در میان مفاهیم و غنی‌سازی مقوله‌ها از نظر ویژگی‌ها و ابعاد آن‌هاست (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

۲-۲- ابزار و روش گردآوری داده‌ها



ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. یک راهنمای مصاحبه اولیه بر اساس مرور ادبیات و مشورت با دو متخصص طراحی گردید که شامل سؤالات باز در مورد تجربیات، درک، چالش‌ها و پیشنهادات مرتبط با ایده توسعه ورزش پهلوانی در مدارس و راهبردهای زیرساخت سیار و برنامه درسی بومی بود. کلیه مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر اصلی، به صورت حضوری یا برخط، در بازه زمانی مشخص انجام شد. میانگین زمان هر مصاحبه ۶۰ دقیقه بود. با رعایت اصول اخلاقی، رضایت آگاهانه کتبی از همه مشارکت‌کنندگان اخذ شد و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه باقی می‌ماند و با کدهای ناشناس در پژوهش استفاده خواهد شد. مصاحبه‌ها ضبط و سپس برای تحلیل، کلمه‌به‌کلمه رونویسی شدند. در نظریه داده‌بنیاد، داده‌ها تنها به مصاحبه محدود نمی‌شوند و می‌توانند شامل منابع متنوعی مانند بیوگرافی‌ها، اسناد، گزارش‌ها و سایر مطالبی باشند که به عنوان داده‌های اولیه یا برای تکمیل مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی مورد استفاده قرار می‌گیرند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

۲-۳- جمع‌آوری آمار و اطلاعات کمی

در بخش کمی پژوهش، اطلاعات آماری مربوط به تعداد و وضعیت زورخانه‌های موجود در استان‌های مختلف کشور جمع‌آوری شد. این اطلاعات شامل تعداد زورخانه‌های اختصاصی آموزش و پرورش و ورزش و جوانان بود. برای این منظور، از روش‌های مستندنگاری و دریافت داده‌ها از ادارات کل ورزش و جوانان (هیأت‌های ورزش زورخانه‌ای استان‌ها) و آموزش و پرورش استان‌ها (معاونت تربیت بدنی و سلامت) بهره گرفته شد.

۲-۴- تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به طور همزمان با جمع‌آوری آنها و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2024 انجام شد. این نرم‌افزار یکی از قدرتمندترین و پرکاربردترین ابزارهای تحلیل داده‌های کیفی است که به محققان امکان می‌دهد داده‌های متنی، صوتی و تصویری را سازماندهی، کدگذاری، تحلیل و تفسیر کنند (وبسایت MAXQDA، ۲۰۲۴). در این پژوهش، پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار، فرایند تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر اساس رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین انجام شد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این رویکرد، تحلیلگر پس از شناسایی مقوله‌های اشباع‌شده، باید یک مقوله هسته‌ای را شناسایی کند که سایر مقوله‌ها حول آن در چارچوبی که آن‌ها را به عنوان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها یا پیامدها مشخص می‌کند، سازماندهی شوند.

کدگذاری باز: در این مرحله، متون مصاحبه‌ها به دقت مطالعه و مفاهیم اولیه (کدهای اولیه) از درون آنها استخراج گردید. محقق با استفاده از ابزارهای کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA 2024، واحدهای معنادار را شناسایی و برچسب‌گذاری نمود. در مجموع ۱۳۸ کد اولیه از ۱۸ سند اطلاعاتی استخراج شد.

کدگذاری محوری: کدهای مشابه حول یک محور سازماندهی و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. در این مرحله، از قابلیت‌های نظام‌مند نرم‌افزار MAXQDA 2024 برای دسته‌بندی کدها و ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی استفاده گردید. روابط بین این مقوله‌ها (مانند شرایط علی، راهبردها، بسترها، پیامدها) بر اساس پارادایم کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین شناسایی و ترسیم گردید. در نهایت ۱۰ مقوله اصلی در قالب شش مؤلفه مدل پارادایمی شناسایی شد.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله نهایی، یک مقوله هسته‌ای به عنوان پدیده محوری پژوهش شناسایی و تمامی مقوله‌های دیگر حول آن ساماندهی شد تا مدل پارادایمی نهایی شکل گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).



۵-۲- روایی و پایایی

به منظور تأمین اعتبار و قابلیت اطمینان یافته‌ها، از معیارهای لینکلن و گوبا شامل اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵؛ احمد، ۲۰۲۴). برای تأمین اعتبارپذیری، از تکنیک‌های مشارکت طولانی‌مدت در فرایند تحقیق، مشاهده مداوم، تثلیث (مثلت‌سازی) منابع اطلاعاتی، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و بررسی همتایان استفاده گردید. برای تأمین انتقال‌پذیری، توضیحات دقیق و غنی از زمینه تحقیق، مشارکت‌کنندگان و فرایند پژوهش ارائه شد. برای تأمین قابلیت اطمینان، کلیه مراحل پژوهش به صورت سیستماتیک مستندسازی و یک مسیر ارزیابی ایجاد گردید. برای تأمین تأییدپذیری، از روش‌های بررسی ارزیابان و کدگذاران دیگر، تکنیک وکیل مدافع شیطان و بررسی همکاران پژوهش استفاده شد.

۳- یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در دو بخش کمی و کیفی ارائه می‌شود. بخش کمی به بررسی وضعیت موجود زیرساخت‌های ورزش زورخانه‌ای در کشور می‌پردازد و بخش کیفی، مدل پارادایمی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس را بر اساس تحلیل مصاحبه‌های خبرگان ارائه می‌دهد.

۱-۳- یافته‌های کمی (وضعیت زیرساخت‌های ورزش زورخانه‌ای)

یافته‌های کمی پژوهش نشان داد که وضعیت زیرساخت زورخانه‌های آموزش و پرورش در استان‌های کشور با بیش از ۷۵۰ منطقه آموزشی بسیار پایین می‌باشد و بسیاری از استان‌های کشور حتی یک زورخانه تخصصی در آموزش و پرورش ندارند. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از ادارات کل ورزش و جوانان و آموزش و پرورش استان‌ها، توزیع جغرافیایی زورخانه‌های کشور به شدت نابرابر است و این نابرابری در زورخانه‌های تحت پوشش آموزش و پرورش به مراتب چشمگیرتر می‌باشد.

شکل ۱- وضعیت و تعداد زورخانه‌های آموزش و پرورش به تفکیک استانی

تحلیل داده‌های شکل ۱ نشان می‌دهد که از بین ۳۱ استان کشور، ۲۰ استان (معادل ۶۴٫۵ درصد) فاقد حتی یک زورخانه تخصصی در چارچوب آموزش و پرورش هستند. این در حالی است که تعداد کل زورخانه‌های آموزش و پرورش در کل کشور تنها ۱۷ واحد می‌باشد. نقشه ارائه شده در شکل ۱ الگوی تمرکز شدید مرکز-پیرامون را آشکار می‌سازد: مناطق مرکزی و شمال شرق از تراکم نسبی بالاتری برخوردارند، در حالی که مناطق غربی، جنوبی و مرزهای شرقی در وضعیت فقر زیرساختی مطلق قرار دارند. این الگو با نظریه عدالت فضایی سوگا (۲۰۱۰) همخوانی دارد که در آن توزیع ناعادلانه امکانات، نابرابری اجتماعی را تشدید می‌کند (سوگا، ۲۰۱۰). با در نظر گرفتن آمار تقریبی ۱۶ میلیون دانش‌آموز در کشور، نسبت زورخانه به دانش‌آموز برابر است با ۰۰۰۰۰۰۰۱۶ و به عبارت دیگر، به ازای هر ۱ میلیون دانش‌آموز، تنها ۱۶ زورخانه وجود دارد. این شاخص به وضوح شکاف عمیق میان نیاز و عرضه را در حوزه ورزش زورخانه‌ای مدرسه‌ای نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).



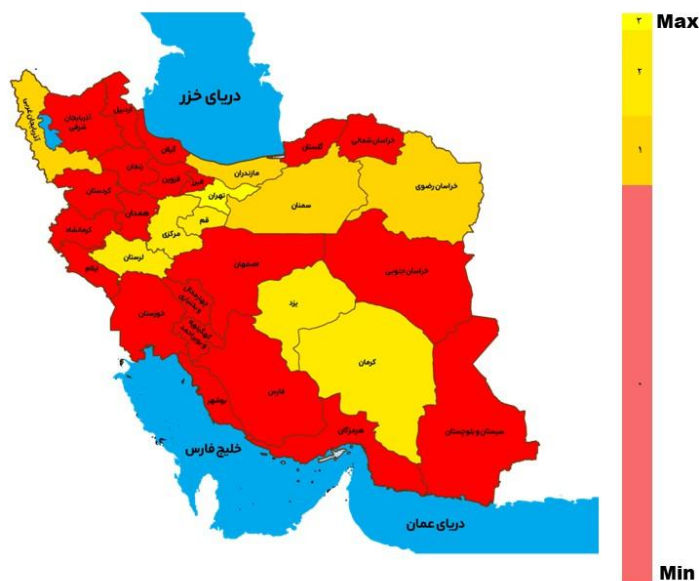
2

The Second National Conference on Physical Education, Modern Sports Sciences, Professional Sport, and Health Promotion

تاریخ همایش: ۱۳۰۵/۰۲/۱۵

دومین همایش ملی تربیت بدنی علوم ورزشی
نوین، ورزش حرفه ای و ارتقای تندرستی

تعداد	نام استان
۳	تهران
۲	قم
۲	کرمان
۲	لرستان
۲	مرکزی
۲	یزد
۱	آذربایجان غربی
۱	خراسان رضوی
۱	سمنان
۱	مازندران
-	سایر استان ها
جمع کل زورخانه های آموزش و پرورش	
۱۷	



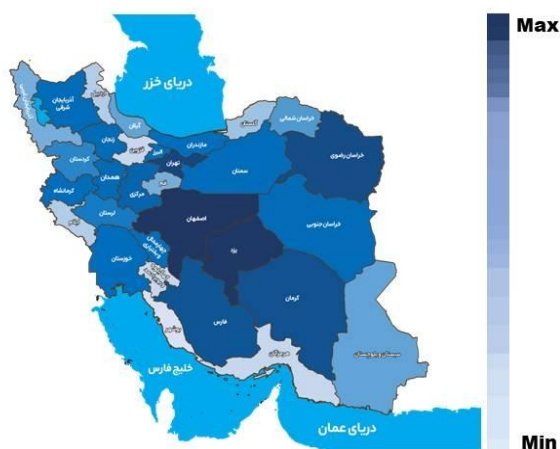
شکل ۱- وضعیت و تعداد زورخانه های آموزش و پرورش به تفکیک استانی

شکل ۲- وضعیت و تعداد زورخانه های آموزش و پرورش و ورزش و جوانان (تجمیعی) به تفکیک استانی

شکل ۲ نمای کلی از تعداد و پراکنش جغرافیایی کلیه زورخانه های کشور را اعم از وابسته به آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان در سطح استان ها ارائه می دهد. بر اساس این داده ها، تعداد کل زورخانه های کشور ۸۴۰ واحد است که توزیع آن از الگوی بسیار متمرکز و نابرابر پیروی می کند. ۵ استان برتر (اصفهان، یزد، تهران، خراسان رضوی و کرمان) جمعاً بیش از ۵۰ درصد از کل زورخانه های کشور را در اختیار دارند، در حالی که ۱۰ استان محروم (از جمله سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، لرستان، و چهارمحال و بختیاری) مجموعاً کمتر از ۵ درصد از زورخانه های کشور را شامل می شوند (سازمان نوسازی مدارس، ۱۴۰۱؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این الگو نشان دهنده شکاف عمیق مرکز-پیرامون و نابرابری ساختاری در دسترسی به زیرساخت ورزش بومی است. از ۸۴۰ زورخانه کشور، تنها ۱۷ واحد معادل ۲ درصد متعلق به آموزش و پرورش است که نشان می دهد نظام مدرسه ای ایران عملاً از شبکه زورخانه ای کشور جدا افتاده است و ورزش زورخانه ای به طور عمده در بیرون از مدارس و در قالب هیئت های ورزشی ارائه می شود (رشیدلمیر و همکاران، ۱۳۹۷).



نام استان	تعداد	درصد	چهارمخال و یختیاری		
اصفهان	۱۱۶	۱۳.۸٪	لرستان	۱۳	۱.۵۵٪
یزد	۱۱۴	۱۳.۵۷٪	کردستان	۱۲	۱.۴۳٪
تهران	۸۷	۱۰.۴۶٪	خراسان شمالی	۱۰	۱.۱۹٪
خراسان رضوی	۷۸	۹.۳۹٪	زنجان	۱۰	۱.۱۹٪
کرمان	۶۹	۸.۲۱٪	سیستان و بلوچستان	۹	۱.۰۷٪
فارس	۶۱	۷.۳۶٪	گیلان	۹	۱.۰۷٪
مرکزی	۳۴	۴.۰۵٪	آذربایجان غربی	۸	۰.۹۵٪
خراسان جنوبی	۲۲	۲.۶۲٪	قم	۸	۰.۹۵٪
همدان	۲۲	۲.۶۲٪	گلستان	۶	۰.۷۱٪
آذربایجان شرقی	۲۱	۲.۵٪	اردبیل	۵	۰.۶٪
سمنان	۲۱	۲.۵٪	ایلام	۵	۰.۶٪
البرز	۱۸	۲.۱۴٪	قزوین	۴	۰.۴۸٪
خوزستان	۱۸	۲.۱۴٪	کهگیلویه و بویراحمد	۴	۰.۴۸٪
کرمانشاه	۱۸	۲.۱۴٪	هرمزگان	۴	۰.۴۸٪
مازندران	۱۷	۲.۰۲٪	بوشهر	۳	۰.۳۶٪
جمع کل زورخانه های ورزش و جوانان و آموزش و پرورش					۸۴۰



شکل ۲- وضعیت و تعداد زورخانه های آموزش و پرورش و ورزش و جوانان (تجمیعی) به تفکیک استانی

۲-۳- یافته های کیفی (مدل پارادایمی توسعه ورزش پهلوانی)

مدل مفهومی حاصل از کدگذاری و مصاحبه های پژوهش در جهت توسعه پارادایمی زورخانه های مدولار، در قالب یک مدل پارادایمی شامل شش مؤلفه اصلی ارائه شده است. این مدل به صورت یک سیستم علی-راهنمایی ترسیم شده که ارتباط و رابطه بین مؤلفه ها را نشان می دهد. تمامی مراحل کدگذاری و تحلیل با استفاده از نرم افزار MAXQDA 2024 انجام شده است. در فرایند کدگذاری باز، ۱۳۸ کد اولیه از ۱۸ سند اطلاعاتی استخراج شد که در قالب ۲۴ مقوله فرعی دسته بندی گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری، ۱۰ مقوله اصلی شناسایی و در شش مؤلفه مدل پارادایمی سازماندهی شد.

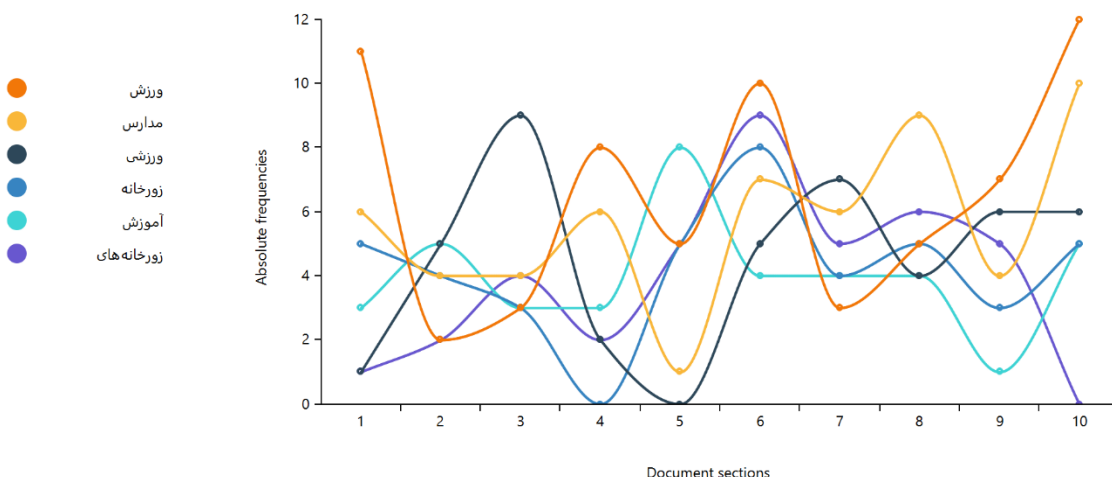


2

The Second National Conference on Physical Education, Modern Sports Sciences, Professional Sport, and Health Promotion

تاریخ همایش: ۱۳۰۵/۰۲/۱۵

دومین همایش ملی تربیت بدنی علوم ورزشی
نوین، ورزش حرفه ای و ارتقای تندرستی



شکل ۳- طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران با رویکرد تلفیقی

۱-۲-۳- شرایط علی

شرایط علی، عواملی هستند که به عنوان محرک اصلی شکل‌گیری پدیده زورخانه سیار عمل می‌کنند. بر اساس تحلیل داده‌های کیفی، سه شرایط علی کلیدی شناسایی شد:

شکاف سرانه فضای ورزشی در مدارس: تنها ۱۲ درصد مدارس کشور به فضاهای ورزشی تخصصی مجهز هستند و این رقم در مناطق روستایی به ۳ درصد کاهش می‌یابد. این کمبود شدید، ضرورت ارائه راه‌حل‌های نوآورانه را آشکار می‌سازد. همچنین ۸۵ درصد مدارس تهران فاقد زمین مازاد برای احداث سازه‌های ثابت ورزشی هستند (انجمن معماری ایران، ۱۴۰۲). یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان داشت: «متأسفانه در اکثر مدارس کشور، حتی فضای کافی برای برگزاری یک درس تربیت بدنی استاندارد وجود ندارد، چه رسد به احداث یک زورخانه سنتی با گود و سکوه‌های خاص آن» (مشارکت‌کننده شماره ۴).

گسست نسلی در انتقال دانش بومی ورزشی: بر اساس تحقیق مرکز مطالعات راهبردی ورزش (۱۴۰۱)، تنها ۱۵ درصد نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال با ورزش زورخانه‌ای آشنایی دارند. این در حالی است که در دهه ۱۳۶۰، این رقم به ۶۵ درصد می‌رسید. یکی از پیشکسوتان زورخانه در این باره اظهار داشت: «نسل امروز با ورزش زورخانه و آیین‌های پهلوانی بیگانه شده است؛ این یعنی ما در حال از دست دادن یک میراث ارزشمند هستیم» (مشارکت‌کننده شماره ۹). همچنین پژوهش فلاح (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که نسل جوان امروز، ۳ برابر بیشتر از دهه قبل، به دنبال فعالیت‌های دارای هویت فرهنگی مشخص است که فرصتی برای احیای این ورزش ایجاد می‌کند (فلاح، ۱۳۹۵).

تقابل معماری مکان‌محور زورخانه‌های سنتی با الزامات زمان‌محور نظام آموزشی مدرن: معماری ثابت و آیین‌های منظم زورخانه‌های سنتی با الگوی «زمان‌محور»، «انعطاف‌پذیر» و «چندکاره» فضای آموزشی مدرن ناسازگاری بنیادین دارد. ساخت زورخانه‌ای دایم با گود ثابت، سکوه‌های ماندگار و ویژگی‌های صوتی خاص، برای اکثریت مدارس غیرعملی است. یکی از معماران مشارکت‌کننده در این پژوهش بیان



کرد: «زورخانه‌های سنتی با هشت ضلعی گود، سردم و فضای گنبدی شکل، برای یک فضای آموزشی که نیاز به حداکثر انعطاف‌پذیری دارد، طراحی نشده‌اند. ما نیازمند بازتعریف این فضا در قالبی متناسب با معماری مدارس امروز هستیم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

۳-۲-۲- پدیده محوری

در قلب مدل، «زورخانه سیار به مثابه یک رسانه فرهنگی-تربیتی پویا» قرار دارد. این پدیده تنها یک سازه فیزیکی قابل حمل نیست، بلکه یک ابزار میان‌رشته‌ای است که کارکردهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زورخانه را در قالب یک سیستم سیال بازتولید می‌کند. این مفهوم از کدهای باز مرتبط با «کارکرد تربیتی-نمادین فضا» و «قابلیت انتقال پیام فرهنگی» استخراج شده است. زورخانه سیار می‌تواند هم قابلیت ایجاد حس مکان و آیین را داشته باشد و هم از نظر لجستیکی، اقتصادی و زمانی، با محدودیت‌های مدارس سازگار باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت: «زورخانه سیار می‌تواند به عنوان یک رسانه متحرک، پیام پهلوانی و فتوت را به دل مدارس ببرد و دانش‌آموزان را با این میراث ارزشمند آشنا کند، بدون آنکه نیاز به ساخت یک بنای دائمی و پرهزینه باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۶).

۳-۲-۳- راهبردها

برای عملیاتی‌سازی پدیده محوری، پنج راهبرد طراحی و اجرایی شناسایی شد:
مدولارسازی سازه: تقسیم سازه به اجزای پیش‌ساخته و قابل مونتاژ که امکان حمل، نصب و جابجایی آسان را فراهم می‌سازد. مطالعات معماری نشان می‌دهد که زورخانه‌های سنتی بر اساس اصول خوانایی، نفوذپذیری، مجاورت و انعطاف‌پذیری طراحی شده‌اند و این اصول می‌تواند به صورت چکیده‌ای مدرن در طراحی مدولار بازتولید شود (ابراهیمی، ۱۳۹۶).

بومی‌سازی فناوری‌های سبک: استفاده از مصالح نوین مانند کامپوزیت‌های سبک که می‌تواند وزن سازه‌های موقت را تا ۶۰ درصد کاهش دهد بدون آنکه از استحکام ساختاری کاسته شود (حسینی و کریمی، ۱۴۰۰).

طراحی تلفیقی نمادین: تلفیق عناصر معماری سنتی با فرم‌های مدرن. برای مثال، مفهوم «حیات مرکزی» به عنوان کانون تعاملات در زورخانه‌های سنتی می‌تواند در قالب یک سازه بازشونده مرکزی در زورخانه سیار تجلی یابد که هم به عنوان گود نمادین عمل کند و هم به عنوان فضای چندمنظوره برای سایر فعالیت‌های مدرسه.

طراحی پارامتریک و پیش‌ساخته: بهینه‌سازی فرم و ساخت با نرم‌افزارهای پیشرفته که امکان سفارشی‌سازی بر اساس نیازهای هر مدرسه را فراهم می‌سازد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱).

طراحی چندمنظوره و انعطاف‌پذیر: قابلیت استقرار در فضاهای مختلف مدرسه از جمله حیاط، سالن‌های چندمنظوره و فضاهای باز موقت.

۳-۲-۴- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای شامل عواملی است که بستر اجرای طرح را شکل می‌دهند. بر اساس تحلیل داده‌ها، دو شرایط زمینه‌ای اصلی شناسایی شد:



سیاست‌های کلان آموزش و پرورش: برنامه زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۵) بر توسعه ورزش‌های بومی-محلی و ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر تأکید دارد و نقشه جامع علمی کشور در حوزه تربیت بدنی و سلامت دانش‌آموزی (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۴۰۲)، توسعه ورزش‌های بومی-محلی را به‌عنوان راهبردی برای تقویت هویت ملی و تربیت بدنی همگانی معرفی نموده است.

فقدان استاندارد ملی برای فضاهای ورزشی سیار: ایران فاقد استاندارد ملی برای فضاهای ورزشی سیار است که این پژوهش می‌تواند مبنای تدوین اولین استاندارد در این حوزه قرار گیرد.

۵-۲-۳- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر به عنوان عوامل واسطه یا محدودکننده عمل می‌کنند که عبارتند از:
محدودیت بودجه مدارس: به‌ویژه در مناطق محروم که عملاً امکان ایجاد زورخانه‌های دایمی را ناممکن ساخته است. پژوهش رضوانی و همکاران (۱۴۰۰) بر روی ۴۲۰ مدرسه در استان خراسان رضوی نشان داد که ۹۲ درصد مدیران مدارس، فقدان فضاهای ورزشی تلفیقی-فرهنگی را به عنوان یکی از موانع اصلی پرورش جامع دانش‌آموزان ذکر کرده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۴۰۰).
نگرش‌های جنسیتی: به عنوان مانعی فرهنگی-اجتماعی که ممکن است بر استقبال و مشارکت در این ورزش تأثیرگذار باشد.

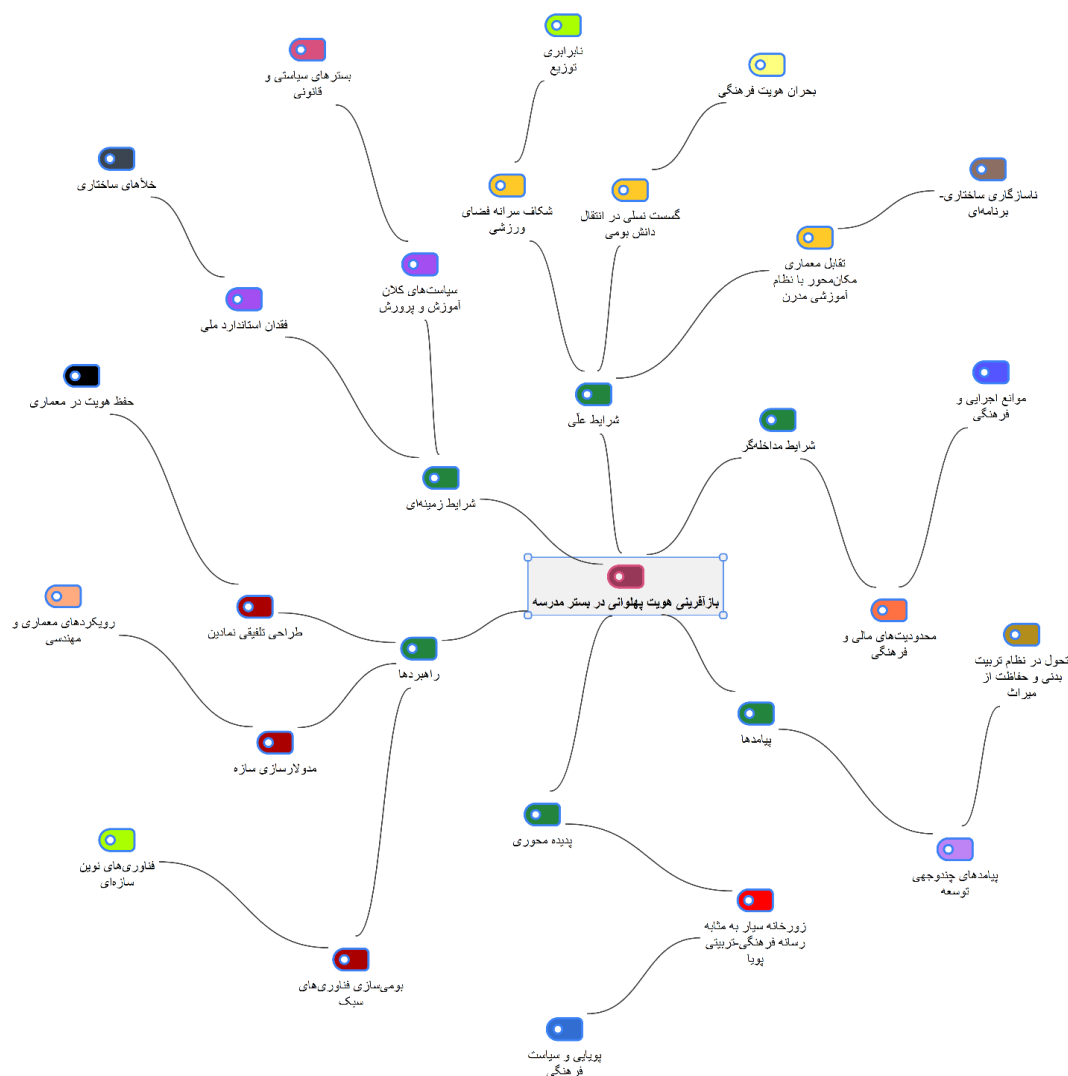
۶-۲-۳- پیامدها

اجرای موفقیت‌آمیز زورخانه سیار منجر به شش دسته پیامد کلان می‌شود:
تحقق عدالت فضایی و تربیتی: در دسترسی به ورزش بومی که با نظریه عدالت فضایی سوجا (۲۰۱۰) همخوانی دارد. طرح زورخانه‌های سیار می‌تواند به صورت دوره‌ای در مدارس مختلف، از مراکز استان‌ها تا روستاهای دورافتاده، مستقر شده و فرصتی برابر برای تجربه این ورزش فراهم آورد.
نوآوری در معماری ورزشی مدارس: ارائه الگویی نوین برای طراحی فضاهای ورزشی انعطاف‌پذیر و چندمنظوره که می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر ورزش‌های بومی نیز مورد استفاده قرار گیرد. تحقیق غلامی (۱۴۰۲) نشان داد که فضاهای ورزشی دارای ویژگی‌های نمادین و آیینی، ۴۰ درصد بیشتر از فضاهای معمولی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی مؤثرند (غلامی، ۱۴۰۲).
حفاظت پویا از میراث ناملموس زورخانه‌ای: رویکرد «حفاظت پویا و توسعه‌گرا» در مقابل «حفاظت موزه‌ای». این پارادایم جدید بر این اصل استوار است که میراث برای بقا، باید توانایی تطبیق و انتقال به بسترهای جدید زندگی را بیابد (حسینی، ۱۳۹۸).
کاهش هزینه‌های ساخت و بهره‌برداری: پژوهش میرزایی (۱۳۹۹) در مطالعه تطبیقی مدارس ۱۰ استان محروم نشان داد که طرح‌های مدولار می‌توانند تا ۷۰ درصد هزینه‌های ایجاد فضاهای ورزشی را کاهش دهند (میرزایی، ۱۳۹۹).
اشتغال‌زایی در زنجیره طراحی، تولید و آموزش: بر اساس پیش‌بینی اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۲)، توسعه زورخانه‌های مدولار می‌تواند حدود ۲۰۰۰ شغل مستقیم در بخش‌های طراحی، تولید، نصب و آموزش ایجاد کند (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۲).



ایمینی و مقاومت سازه: مطابق با استانداردهای ملی و بین‌المللی (ISO 20957-1:2021) که الزامات ایمنی عمومی و روش‌های آزمون برای تجهیزات تمرینی ثابت را مشخص می‌کند (سازمان بین‌المللی استانداردسازی، ۲۰۲۱).

تمامی مقولات فوق حول کد هسته‌ای «باز آفرینی هویت پهلوانی در بستر مدرسه» سازمان یافته‌اند. این کد هسته نه تنها یک راه‌حل عملیاتی، بلکه یک پارادایم نظری جدید را در حوزه حفاظت از میراث و توسعه فضای آموزشی ارائه می‌دهد.



شکل ۴: مدل مفهومی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران



۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران با رویکرد تلفیقی «زیرساخت سیار» و «برنامه درسی بومی» بود. یافته‌های این پژوهش در قالب یک مدل پارادایمی شامل شش مؤلفه اصلی (شرایط علی، پدیده محوری، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) ارائه شد که می‌تواند به عنوان یک نقشه راه برای سیاست‌گذاران و مجریان حوزه ورزش دانش‌آموزی مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش با ارائه مدل پارادایمی توسعه ورزش پهلوانی در مدارس ایران، گامی فراتر از گفتمان توصیفی-توصیه‌ای رایج برداشته و وارد عرصه گفتمان طراحی-راه‌حل محور مهندسی-تربیتی شده است. یافته‌های کمی پژوهش نشان داد که تنها ۱۷ زورخانه تخصصی در آموزش و پرورش سراسر کشور وجود دارد و توزیع فضایی آن به شدت نابرابر است (تمرکز در ۵ استان). این شکاف زیرساختی، ضرورت ارائه راه‌حل‌های سیال و مبتنی بر عدالت فضایی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

مدل مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش به عنوان یک چرخه اصلاحی پویا عمل می‌کند که نشان می‌دهد چگونه راهبردهای مدولارسازی، بومی‌سازی فناوری و طراحی تلفیقی می‌توانند نه تنها پاسخگوی کمبودهای کمی باشند، بلکه حفاظت پویا از میراث ناملموس زورخانه را نیز ممکن سازند (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱؛ حسینی و کریمی، ۱۴۰۰). «زورخانه سیار و مدولار» صرفاً یک سازه فیزیکی نیست، بلکه یک ابزار فرهنگی-تربیتی پویا است که امکان بازتعریف رابطه میان میراث کهن و فضای آموزشی پسمردن را فراهم می‌آورد. با ارائه اصول طراحی، استانداردهای فنی و مدل اجرایی پیشنهادی، می‌توان از ورزش زورخانه‌ای نه به عنوان موضوعی حاشیه‌ای، بلکه به عنوان کانونی فعال برای نوآوری در معماری ورزشی مدارس ایران دفاع کرد. موفقیت این طرح می‌تواند دریچه‌ای نوین به سوی بومی‌سازی خلاقانه فضاهای تربیت بدنی و احیای پویای میراث فرهنگی در زندگی روزمره نسل جوان بگشاید.

طراحی زورخانه‌های سیار و مدولار نه تنها یک راهکار مهندسی-تربیتی برای غلبه بر محدودیت‌های فضایی و مالی مدارس است، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی عملی برای نهادهای سازش ورزش‌های بومی در نظام آموزشی ایران مورد توجه قرار گیرد. این طرح با استناد به برنامه زیرنظام تأمین فضا (۱۳۹۵) و اصول طراحی زورخانه‌های سنتی (ابراهیمی، ۱۳۹۶) پیشنهاد می‌شود و قابلیت توسعه در قالب پایلوت مدرسه-محور با همکاری فدراسیون پهلوانی و سازمان نوسازی مدارس را دارد.



تاریخ همایش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

دومین همایش ملی تربیت بدنی علوم ورزشی
نوین، ورزش حرفه ای و ارتقای تندرستی



شکل ۵: نمودار ابری توسعه ورزش یهلوانی در مدارس ایران

۵- پیشنهادات

بر اساس یافته‌های کمی و کیفی این پژوهش و مدل پارادایمی ارائه‌شده، پیشنهادات ذیل در دو سطح پژوهشی و اجرایی-سیاستی ارائه می‌گردد:

۱-۵- پیشنهادات اجرایی-سیاستی

۱- طراحی و استقرار پایلوت زورخانه سیار در مناطق محروم: با توجه به پراکنش نامتوازن زورخانه‌ها در سطح کشور و شناسایی کمبود فضای ورزشی به عنوان شرط علی‌اصولی، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های اولیه زورخانه‌های مدولار با مشارکت سازمان نوسازی مدارس و فدراسیون پهلوانی در ۳ تا ۵ منطقه آموزشی محروم (مانند سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، و مناطق حاشیه‌ای کلان‌شهرها) مستقر گردد. این طرح باید منطبق بر ضوابط طراحی فضاهای ورزشی مدارس (سازمان نوسازی، ۱۳۹۸) و استانداردهای ایمنی بین‌المللی (ISO 20957-1:2021) باشد (سازمان نوسازی مدارس، ۱۳۹۸؛ سازمان بین‌المللی استانداردسازی، ۲۰۲۱).

۲- تدوین استاندارد ملی زورخانه‌های سیار و مدولار: با عنایت به فقدان استاندارد ملی به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای شناسایی‌شده در مدل، پیشنهاد می‌گردد کارگروه تخصصی متشکل از نمایندگان وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش، سازمان ملی استاندارد و جامعه مهندسان ورزشی تشکیل شده و نخستین استاندارد ملی طراحی، ساخت و بهره‌برداری از زورخانه‌های سیار را با تأکید بر ایمنی، نمادگرایی و قابلیت جرح‌خشی بین مدارس تدوین نماید.



۳- ایجاد سامانه مدیریت چرخشی زورخانه‌های سیار در سطح مناطق آموزشی: به منظور تحقق عدالت فضایی و بهینه‌سازی منابع، پیشنهاد می‌شود طرح «زورخانه سیار مدرسه‌گرد» تحت مدیریت ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها اجرا شود. این سامانه می‌تواند امکان بهره‌برداری اشتراکی از یک واحد سیار را بین ۱۰ تا ۱۵ مدرسه در یک ناحیه فراهم آورد و از الگوی استفاده چرخشی پشتیبانی کند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲).

۴- توسعه بسته‌های آموزشی تلفیقی «ورزش زورخانه‌ای و فرهنگ پهلوانی»: با توجه به نقش زورخانه سیار به عنوان رسانه فرهنگی- تربیتی پویا، پیشنهاد می‌گردد محتوای آموزشی دیجیتال و غیردیجیتال تلفیقی برای استفاده در دروس تفکر و سبک زندگی، فرهنگ و هنر، و تاریخ طراحی شود. این بسته‌ها می‌توانند در قالب اپلیکیشن تعاملی، پنل‌های نمایشی نصب‌شده در زورخانه سیار، و کتابچه‌های راهنمای معلم ارائه گردند (میرزایی، ۱۳۹۹؛ نجفی و همکاران، ۱۴۰۲).

۵- توانمندسازی معلمان تربیت بدنی در زمینه ورزش زورخانه‌ای: پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان تربیت بدنی با هدف آشنایی با اصول و فنون ورزش زورخانه‌ای و نحوه استفاده از زورخانه‌های سیار برگزار گردد. این دوره‌ها می‌توانند به افزایش کیفیت اجرای برنامه‌های ورزشی و انتقال صحیح ارزش‌های پهلوانی به دانش‌آموزان کمک کنند (اسدزاده، ۱۳۹۶).

۶- ایجاد انگیزه و مشارکت بخش خصوصی: با توجه به پتانسیل اقتصادی و اشتغال‌زایی طرح، پیشنهاد می‌شود تسهیلات و مشوق‌های لازم برای مشارکت بخش خصوصی در طراحی، تولید و نصب زورخانه‌های سیار فراهم گردد. این امر می‌تواند به توسعه پایدار و گسترش این طرح در سطح کشور کمک نماید (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۲).

۲-۵- پیشنهادات پژوهشی آتی

۱- مطالعه پیامدهای روان‌شناختی-اجتماعی زورخانه‌های سیار بر دانش‌آموزان: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به صورت طول‌نگر و با روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) به بررسی تأثیر حضور زورخانه سیار بر شایستگی‌های اخلاقی، احساس تعلق مکانی، و هویت فرهنگی دانش‌آموزان در مناطق مختلف بپردازند (غلامی، ۱۴۰۲).

۲- پژوهش در زمینه فناوری‌های سبک و پایدار برای سازه‌های ورزشی سیار: با توجه به راهبرد بومی‌سازی فناوری‌های سبک در مدل، انجام تحقیقات کاربردی در زمینه کامپوزیت‌های پیشرفته، ساختارهای تاشو و سیستم‌های انرژی خورشیدی برای بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش وزن زورخانه‌های سیار پیشنهاد می‌گردد (حسینی و کریمی، ۱۴۰۰).

۳- مطالعه تطبیقی بین‌المللی در زمینه مدل‌های ورزش سیار برای میراث ناملموس: پیشنهاد می‌شود الگوی ارائه‌شده در این پژوهش با نمونه‌های مشابه در کشورهای دارای میراث ورزشی ناملموس (مانند کشتی مغولی، کبدی هندی، ورزش‌های سنتی ترکیه) مورد مقایسه قرار گیرد تا امکان تبادل تجربه و یادگیری بین‌المللی فراهم آید (باند و بلاوینز، ۲۰۲۰).

۴- ارزیابی اقتصادی-مدیریتی طرح‌های پایلوت: پس از اجرای پایلوت‌های پیشنهادی، انجام مطالعات تحلیل هزینه-فایده و بررسی نرخ بازگشت سرمایه برای سنجش دقیق‌تر کاهش هزینه‌های ساخت و اشتغال‌زایی شناسایی‌شده در مدل ضروری است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲).



دومین همایش ملی تربیت بدنی علوم ورزشی نوین، ورزش حرفه ای و ارتقای تندرستی

۵- بررسی موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه ورزش زورخانه‌ای در مدارس: با توجه به شناسایی نگرش‌های جنسیتی و باورهای سنتی به عنوان شرایط مداخله‌گر، انجام پژوهش‌های جامعه‌شناختی برای شناسایی و اولویت‌بندی موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه ورزش زورخانه‌ای در مدارس و ارائه راهکارهای مناسب پیشنهاد می‌گردد (فلاح، ۱۳۹۵؛ نجفی و همکاران، ۱۴۰۲).

۶- طراحی و اعتباریابی ابزار سنجش شایستگی‌های پهلوانی در دانش‌آموزان: با توجه به نقش تربیتی ورزش زورخانه‌ای در پرورش اخلاق و منش پهلوانی، طراحی و اعتباریابی ابزاری برای سنجش شایستگی‌های پهلوانی (از جمله فتوت، جوانمردی، احترام، مسئولیت‌پذیری و همدلی) در دانش‌آموزان می‌تواند به ارزیابی اثربخشی برنامه‌های اجرایی کمک نماید (اسدزاده، ۱۳۹۶؛ صابری و گودرزی، ۱۴۰۰).

۶- محدودیت‌های پژوهش

مانند هر پژوهش دیگری، این تحقیق نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که ذکر آن‌ها می‌تواند به درک بهتر یافته‌ها و جهت‌دهی به پژوهش‌های آتی کمک کند:

- ۱- محدودیت‌های روش‌شناختی: استفاده از رویکرد کیفی و راهبرد نظریه داده‌بنیاد، اگرچه برای ماهیت اکتشافی این پژوهش مناسب بود، اما امکان تعمیم‌پذیری آماری یافته‌ها را به تمامی مدارس کشور محدود می‌سازد (چارماز، ۲۰۱۴).
- ۲- محدودیت‌های دسترسی به مشارکت‌کنندگان: با وجود تلاش برای تنوع‌بخشی به مشارکت‌کنندگان، دسترسی به برخی از خبرگان کلیدی در حوزه معماری و طراحی صنعتی با محدودیت‌هایی مواجه بود.
- ۳- محدودیت‌های زمانی: به دلیل محدودیت زمانی، امکان پیگیری طولی و ارزیابی پیامدهای بلندمدت طرح وجود نداشت.
- ۴- محدودیت در دسترسی به داده‌های کمی: اگرچه آمار زورخانه‌های کشور جمع‌آوری شد، اما دسترسی به داده‌های دقیق‌تر در مورد وضعیت فضاهای ورزشی مدارس در برخی استان‌ها با محدودیت مواجه بود.

۷- منابع و مآخذ

۱. اتاق بازرگانی ایران. (۱۴۰۲). *برآورد اثرات اشتغال‌زایی صنایع ورزشی*. تهران: انتشارات اتاق بازرگانی.
۲. احمدی، ر.، محمدی، ک.، و یوسفی، ج. (۱۴۰۲). تحلیل اقتصادی طرح‌های ورزشی سبک در نظام آموزش و پرورش. *فصلنامه اقتصاد ورزشی*، ۱۹(۱)، ۱۲۰-۱۳۵.
۳. اسدزاده، ر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش‌های پهلوانی زورخانه‌ای بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی منطقه ۱۰ شهر تهران. *مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، ۵(۴)، ۸۹-۹۸.
۴. انجمن معماری ایران. (۱۴۰۲). *مطالعه امکان‌سنجی فضاهای ورزشی انعطاف‌پذیر در مدارس پایتخت*. تهران: انتشارات انجمن معماری.
۵. انصاف‌پور، غ. (۱۳۵۳). *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
۶. ابراهیمی، م. (۱۳۹۶). طراحی مجموعه ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی و فرهنگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه صنعتی شاهرود.
۷. جعفری، ع. (۱۳۹۲). ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیع. *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، ۴۲، ۱۳۹-۱۶۸.
۸. جوانی، و.، موتاب، ا.، و داده‌هیر، ا. (۱۴۰۰). واکاوی کارکردهای ورزش زورخانه‌ای مبتنی بر دیدگاه روانشناسی اجتماعی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۶(۲۴)، ۱۰۵-۹۱.
۹. حسینی، س.، و کریمی، م. (۱۴۰۰). امکان‌سنجی کاربرد مصالح نوین در بازآفرینی فضاهای سنتی ورزشی. *نشریه علمی مهندسی عمران و معماری*، ۲۵(۳)، ۶۷-۸۲.



۱۰. حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۸). زورخانه: معماری یک نهاد اجتماعی-مذهبی در ایران دوره اسلامی. *فصلنامه مطالعات معماری ایران*، ۸(۱۵)، ۷-۲۶.
۱۱. رشیدلمیر، ا. دهقان قهفرخی، ا. و طیبی، ب. (۱۳۹۷). تدوین برنامه راهبردی فدراسیون ملی ورزشهای زورخانه‌ای. *نشریه پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، ۱۰(۳)، ۱۳۹-۱۵۵.
۱۲. رضوانی، م.، شاه حسینی، ف. و تقوی، س.ع. (۱۴۰۰). بررسی موانع توسعه ورزش زورخانه‌ای در مدارس استان خراسان رضوی از دیدگاه دبیران تربیت بدنی. *نشریه پژوهش در ورزش آموزشی*، ۸(۲۳)، ۴۱-۶۰.
۱۳. سازمان توسعه تجارت ایران. (۱۴۰۲). *گزارش واردات تجهیزات ورزشی سال ۱۴۰۱*. تهران: انتشارات سازمان توسعه تجارت.
۱۴. سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور. (۱۳۹۸). *ضوابط طراحی فضاهای ورزشی مدارس*. تهران: انتشارات سازمان نوسازی مدارس.
۱۵. سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور. (۱۴۰۱). *گزارش عملکرد سالانه*. تهران: انتشارات سازمان نوسازی مدارس.
۱۶. سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور. (۱۴۰۲). *دستورالعمل طراحی فضاهای آموزشی تاب‌آور و چندعملکردی*. تهران: انتشارات سازمان نوسازی مدارس.
۱۷. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۵). *برنامه زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۱۸. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۴۰۲). *نقشه جامع علمی کشور در حوزه تربیت بدنی و سلامت دانش‌آموزی*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۱۹. صابری، ع. و گودرزی، م. (۱۴۰۰). نقش ورزش زورخانه‌ای در جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در نسل جوان. *فصلنامه مدیریت ورزشی*، ۱۳(۲)، ۴۵-۶۲.
۲۰. غلامی، ع. (۱۴۰۲). تأثیر فضای ورزشی بر شایستگی‌های چندبعدی دانش‌آموزان: یک مطالعه طولی. *مجله روانشناسی ورزشی*، ۱۸(۲)، ۸۹-۱۰۴.
۲۱. غلامی، ع.، محمدی، ر. و کریمی، م. (۱۴۰۱). طراحی فضاهای ورزشی انعطاف‌پذیر با رویکرد معماری پارامتریک. *نشریه علمی مهندسی معماری و شهرسازی*، ۱۴(۲)، ۳۴-۵۰.
۲۲. فلاح، م. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی آیین‌های جوانمردی در ورزش زورخانه‌ای. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۱)، ۱-۲۴.
۲۳. کورین، ه. (۱۳۸۳). *آیین جوانمردی* (ترجمه احسان فرهی). تهران: سخن.
۲۴. گودرزی، م. (۱۳۸۳). سرگذشت ورزش باستانی و زورخانه در ایران. *حرکت*، ۱۴۹-۱۷۰.
۲۵. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). *سالنامه آماری کشور: بخش فرهنگ، ورزش و جوانان*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۶. مرکز مطالعات راهبردی ورزش. (۱۴۰۱). *بررسی نگرش نوجوانان به ورزش‌های بومی-محلی*. تهران: انتشارات وزارت ورزش.
۲۷. منتظرالقائم، ا. (۱۳۹۷). مفاهیم ملی و مذهبی سازنده مکتب تربیتی زورخانه. *فصلنامه فرهنگ مردم/ایران*، ۵۲.
۲۸. موتاب، ا. (۱۳۷۷). *آیین فتوت و جوانمردی و پهلوانان آذربایجان*. تبریز: مؤسسه انتشارات روان‌پویا.
۲۹. میرزایی، ن. (۱۳۹۹). ورزش‌های بومی-محلی به مثابه برنامه درسی تلفیقی در تربیت بدنی مدارس ابتدایی: مطالعه موردی ورزش زورخانه‌ای. *مجله رشد آموزش تربیت بدنی*، ۳۸(۴)، ۱۲-۱۸.
۳۰. نجفی، ز.، بهرامی، ا.، کریمی، ج. و فتاحی، ر. (۱۴۰۲). طراحی و تبیین الگوی ورزش زورخانه‌ای با رویکرد مدرسه‌سازی. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۵(۷۶)، ۱۵۵-۱۸۶.

۳۱. Bond, B. J., & Blevins, J. L. (2020). Sports Media, Social Justice, and the Digital Age. In *The Routledge Handbook of Sport and New Media* (pp. 285-296). Routledge.

۳۲. Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.

۳۳. Chun Tie, Y., Birks, M., & Francis, K. (2019). Grounded theory research: A design framework for novice researchers. *SAGE Open Medicine*, 7, 1-8.

۳۴. Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Weber, M. B. (2019). What influences saturation? Estimating sample sizes in focus group research. *Qualitative Health Research*, 29(10), 1483-1496.

۳۵. International Organization for Standardization (ISO). (2021). *ISO 20957-1:2021 Stationary training equipment Part 1: General safety requirements and test methods*. Geneva: ISO.

۳۶. Kiani, M. G., & Faraji, H. (2013). Zoorkhaneh: Historic training in Iranian culture. *Virascience*.

۳۷. Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. University of Minnesota Press.



۳۸. Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications.

۳۹. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.

Designing and explaining the strategic model for the development of wrestling in Iranian schools With an integrated approach of "mobile infrastructure" and "native curriculum"

1. Jamshid Jalilvand

PhD in Sports Management, Space and Equipment Department, Physical Education and Sports Activities Office, Ministry of Education, Tehran, Iran.

2. Javad Mamashli*

PhD in Sports Management, Human Resources Training Department, Physical Education and Sports Activities Office, Ministry of Education, Tehran, Iran.

3. Somayeh Jadidi*

Master of Sports Management, Physical Education Teacher, Ministry of Education.

Corresponding author's: jamshid.jalilvand, ۰۹۱۵۱۹۱۹۲۱۹ and E-mail: jamshid.jalilvand@yahoo.com

Abstract

Background and Objective: As one of the oldest cultural and educational heritages of Iran, wrestling and zurkhaneh sports have unique functions in cultivating students' morality, identity, and health. However, its development in schools faces two strategic obstacles: a severe shortage and unfair distribution of spatial infrastructure (only 17 zurkhanehs for 16 million students) and the lack of a localized educational model to integrate with the physical education curriculum. This study aimed to design and explain a strategic model for the development of wrestling sports in Iranian schools with a combined approach of "mobile infrastructure" and "local curriculum". **Methodology:** The present study was conducted with a qualitative approach and a systematic data-based theory strategy. Data were collected through in-depth semi-structured interviews with 18 experts and key stakeholders, including architects, sports managers, zurkhaneh veterans, and educational science specialists, who were selected using purposive and snowball sampling methods. Data analysis was performed using MAXQDA 2024 software through open, axial, and selective coding. **Findings:** From the data analysis, a paradigmatic model was extracted including six axial categories: causal conditions (per capita gap in sports space, generational gap in the transmission of indigenous knowledge, confrontation of place-based architecture with the modern education system), axial phenomenon (mobile powerhouse as a dynamic cultural-educational medium), strategies (structural modularization, localization of light technologies, symbolic integrated design), contextual conditions (macro-educational policies, lack of national standards), intervening conditions (budgetary constraints, gender attitudes), and consequences (realization of educational justice, innovation in school sports architecture, dynamic preservation of heritage, reduction of construction costs, job creation, and structural safety). In the coding process, 138 open codes, 24 subcategories, and 10 main categories were identified and organized into a paradigmatic model. **Conclusion:** The combined application of the strategies of "mobile and modular infrastructure" and "localized curriculum" can lead to the realization of spatial justice, dynamic protection of intangible heritage, reduction of construction costs by up to 70%, and promotion of students' multidimensional competencies. By preserving the intrinsic values of zurkhaneh sports, this model enables schools to benefit from its educational capacities while adapting to spatial and structural constraints.

Keywords: Pahlavani sports, mobile zurkhaneh, local curriculum, spatial justice, Iranian schools.